

پایه :	۳	موضوع :	نحو ۵
تاریخ :	۹۲/۰۳/۱۱	ساعت :	۸

نام کتاب: مغنی الادیب، باب الرابع (از ص ۵۱ الی ۱۰۰)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. در مورد آیه شریفه «وَمَا أُنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ»، کدام گزینه در مورد «أَنْ أَذْكُرَهُ» صحیح است؟ ب ۵۶
- ا. بدل از «الشَّيْطَانُ» است
- ب. بدل از ضمیر در «أُنْسَانِيهِ» است
- ج. عطف بیان یا بدل برای ضمیر «أُنْسَانِيهِ» است
- د. تنها عطف بیان برای «الشَّيْطَانُ» است
۲. کدام مثال صحیح نیست؟ ج ۶۰
- ا. انا زیداً ضاربُهُ
- ب. هذا ضاربٌ زیدٍ و عمراً (به اضممار فعل)
- ج. مررت برجلٍ حسنٍ الوجهِ و الفعلِ
- د. زید ضاربٌ فی الدار ابوه عمراً
۳. به نظر مصنف در جمله امیرالمؤمنین (علیه السلام): «وَمَنْ تَلَّنْ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُّ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوْدَةَ»، اصحّ در خبر «مَنْ» شرطیه کدام است؟ ا ۶۶
- ا. تَلَّنْ حَاشِيَتَهُ
- ب. يَسْتَدِمُّ مِنْ قَوْمِهِ
- ج. خبر محذوف است
- د. الْمَوْدَةَ
۴. اگر کلمه «تشرّب» در «لا تأکل سمکاً و تشرّب لبناً» مرفوع باشد ... د ۷۶
- ا. عطف بر لفظ و نهی از اکل سمک و شرب لبن است
- ب. عطف بر محل و نهی از جمع بین اکل سمک و شرب لبن است
- ج. عطف بر توهّم و نهی از جمع بین اکل سمک و شرب لبن است
- د. جمله دوم مستأنفه است و نهی از اکل سمک و اباحه شرب لبن است

سؤالات تشریحی:

* و يشهد لابتدائية النكرة قوله تعالى: «فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ» (انفال/ ۶۲) ... و لخبريتها قولهم «ما جاءت حاجتك» بالرفع. ۵۲

۱. شاهد مثال را در دو مورد فوق توضیح دهید.

دلیل بر این که با وجود معرفه، باز هم نكرة مسوغ دار می‌تواند مبتدا و اسم واقع شود جمله «فان حسبك الله» است زیرا کلمه «الله» مرفوع خوانده شده که خبر «ان» است و اسم آن «حسبک» است. توجه شود کلمه «حسب» اگر هم به معرفه اضافه شود اما معرفه نمی‌شود، بلکه تنها نكرة مسوغ دار است. در مثال «ما جاءت حاجتك» هم چون کلمه «حاجتك» مرفوع است لذا آن را مبتدای مؤخر می‌گیریم و «ما» را خبر مقدم. توجه شود که کلمه «جاءت» در اینجا از نواسخ می‌باشد پس کلمه «حاجتك» مبتدا واقع شده که معرفه است و کلمه «ما» هم نکره است و خبر واقع شده است.

* شرط العطف على اللفظ امکان توجه العامل الى المعطوف فلا يجوز في نحو «ما جاءني من امرأة و لا زيد» الّا الرفع عطفاً على الموضع و

قد يمتنع العطف على اللفظ و على المحل جميعاً نحو «ما زيد قائماً لكن قاعداً» و الصواب ... ۷۰

۲. چرا در مثال اول عطف بر لفظ و در مثال دوم عطف بر لفظ و محل صحیح نیست؟ ب. در مثال دوم چه ترکیب و اعرابی برای «قاعداً» صحیح است؟

ا. چون در مثال اول من زائده در معارف عمل نمی‌کند و در صورتی که عطف بر لفظ باشد من در کلمه زید باید عمل کند و در مثال دوم اگر عطف بر لفظ کنیم لازمه اش اعمال «ما» در موجب است و اگر عطف بر محل کنیم لازمه اش اعتبار ابتدائیت است در حالی که با وجود ناسخ، ابتدائیت از بین رفته است. ب. صحیح در مثال دوم رفع «قاعداً» است بنابر این که خبر برای مبتدای مقدر باشد.

۳. چگونه از ارجحیت نصب کلمه «عمرو» در «قام زيد و عمراً اكرتمه» جواز عطف جمله اسمیه بر فعلیه را می‌توان ثابت کرد؟ ۷۸

زیرا در دو جمله متعاطف، تناسب اولی از تخالف است، اما به هر حال معلوم می‌شود که تخالف هم جایز است و می‌توان عمرو را مرفوع خواند تا جمله اسمیه شود و عطف بر «قام زید» گردد که جمله فعلیه است و الا اگر چنین عطفی جایز نبود نصب کلمه «عمرو» ارجح نمی‌شد بلکه واجب می‌بود.

* من مواضع عود الضمير الى متأخر لفظاً و رتبة أن يكون مرفوعاً بأول المتنازعين المعمل ثانيهما نحو: جفوني و لم اجف الاخلاء ... ۸۰ .
 ۴. عبارت را همراه با تطبیق بر مثال توضیح دهید.

اگر یک معمول متنازع فيه باشد که دو عامل در آن تنازع کرده باشند، و ما عمل را به عامل دوم دهیم، عامل اول مهمل می‌شود که باید به آن ضمیری داد و چون عامل اول هم مرفوع طلب است پس ضمیر را نمی‌توان حذف کرد، لذا معمولش را به صورت ضمیر مرفوعی می‌آوریم که مرجع این ضمیر، آن اسم ظاهری است که بعد از عامل دوم آمده است. (متأخر لفظی و رتبی)
 عامل اول: جفونی - ضمیر: واو در جفونی. عامل دوم: لم اجف. متنازع فيه: الاخلاء.

۵. از وجوه مخالفت «ضمیر شأن» با دیگر ضماائر، چهار مورد را ذکر کنید. ۸۱-۸۰

۱. عوده علی ما بعده لزوماً ۲. ان مفسره لا يكون الاجملة ۳. انه لا يتبع بتابع ۴. انه لا يعمل فيه الا الابتداء أو احد نواسخه ۵. انه ملازم للافراد.

۶. برای ضمیر «أنت» در آیه شریفه «كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ» و آیه کریمه «إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ» چند ترکیب ممکن است؟ بنویسید. ۸۴
 در آیه اول دو ترکیب: ۱. ضمیر فصل بودن ۲. تأکید «ت» در کنت. در آیه دوم سه ترکیب: ۱. ضمیر فصل ۲. تأکید کاف در اُنْكَ ۳. ابتدائیت.

۷. معین کنید چرا در آیات شریفه زیر، وجود رابط لازم است و رابط آن‌ها چه می‌باشد؟ ۸۷-۸۹

- ج. جمله حالیه است و نیاز به رابط دارد و رابط آن، هم واو و هم ضمیر اُنْتُمْ است. (نساء/۴۳)
 ج. جمله صفت است و نیاز به رابط دارد و رابط ضمیر «ه» در نقرؤه است. (اسراء/۹۳)
 ج. جمله خبر است و رابط آن هم «كونُ الجملة نفس المبتدأ فی المعنی» است. (اخلاص/۱)
 ج. بدل اشتمال است و رابط آن ضمیر در «فيه» می‌باشد. (بقره/۲۲۷)

۸. دو مورد از مواردی که مضاف با اضافه شدن، کسب بناء از «مضاف‌الیه» می‌کند را بنویسید. ۹۳-۹۴

۱. أن يكون المضاف مبهماً (ک غیر و مثل) ۲. أن يكون المضاف زماناً مبهماً و المضاف الیه از ۳. ان يكون المضاف زماناً مبهماً و المضاف الیه فعل مبنی.

* من الامور التي يتعدى بها الفعل القاصر: التضمين و يختص التضمين عن غيره من المعديات بأنه قد ينقل الفعل الى اكثر من درجة و لذلك عدى «ألوت» الى مفعولين بعد ما كان قاصراً و منه قوله تعالى: «لَا يَأْتِيَنَّكُمْ خَبَالًا». ۹۸

۹. أ. مراد از «تضمین» چیست؟ ب. تفاوت تضمین با دیگر اسباب تعدی را توضیح داده و آن را بر آیه شریفه تطبیق نمایید.

أ. تضمین در اینجا به این معنا است که به فعل لازم، معنای یک فعل متعدی را بدهیم و با آن معامله فعل متعدی کنیم ب. در تضمین، می‌توان فعل لازم را ناگهان به دو مفعول متعدی کرد اما در اسباب دیگر، هر سبب تنها یک درجه فعل را بالا برد. در آیه شریفه «لا یألون» دو مفعول گرفته «کم» و «خبالاً» زیرا دارای معنای «لا یمنعون» شده که دو مفعولی است، در حالی که خود ماده «ألوت» لازم است.